

## یادگار حقیقی امامت شیعه

در اندیشه شیعی، بنیان امامت بر دویایه نهاده شده است؛ نخست مرجعیت علمی و دوم ارائه الگوی اخلاقی متأثر از الگوی نبوی.



در اندیشه شیعی، بنیان امامت بر دویایه نهاده شده است؛ نخست مرجعیت علمی و دوم ارائه الگوی اخلاقی متأثر از الگوی نبوی. مرجعیت علمی را می‌توان براساس دو مفهوم عصمت و نصب مورد بازخوانی قرار داد. در این نگاه خاص امام وظیفه دارد تا علوم خویش را که طیف گوناگونی از علوم اسلامی را در بر می‌گیرد، در اختیار همگان قرار دهد. جست‌وجو در سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز حاکی از همین امر است؛ چه ایشان حتی در زمان بروز اختلافات سیاسی و حتی اعتقادی از ارائه علم خویش خودداری نمی‌کردند. دومین پایه، در ارائه یک الگوی اخلاقی متجلی می‌شد که به نظر از پایه نخست پراهمیت‌تر است چرا که مسلمانان با نگرستن به این الگو هم نمود عملی فقه و اخلاق را به عیان در زندگی امام(ع) مشاهده می‌کردند و هم میزان تأثیر باورهای درونی در جوارح را به نظاره می‌نشستند.

به سخن دیگر می‌توان از چگونگی پیوند بنیان علم و تربیت که حاصل سیره ایشان بود، یاد کرد که به چه علاوه بر تأثیر نخستین در اطرافیان، سبب بازتولید مکرر خویش می‌شد. این امر البته میسر نبود جز به واسطه تربیت طیفی گسترده از شاگردانی که به این رفتار، باورمند و عامل باشند. ائمه علیهم‌السلام به‌خوبی از پس این مهم که از سویی سبب گسترش اخلاق و از سویی دیگر سبب ایجاد جذابیت در این آیین می‌شد، برآمدند. در این جستار تلاش شده تا به مناسبت ولادت امام محمدبن‌علی‌الباقر(ع) در سال 57 هجری به تلاش گسترده ایشان برای تربیت شاگرد و نقش این شاگردان پرداخته شود.

شیخ محمدبن‌یعقوب کلینی در اصول کافی، تاریخ ولادت امام باقر(ع) را سال 57 هجری دانسته و شهادت ایشان را در سال 114 هجری. مادر ایشان نیز براساس این نقل ام‌عبدالله دختر امام حسن مجتبی(ع) بوده است. شیخ طوسی نیز همین قول را ترجیح می‌دهد اما این دو از روز و ماه ولادت سخنی به میان نیاورده‌اند. البته به گزارش ابن‌شهر آشوب از فتال نیشابوری که پس از آن به قول مختار طائفه بدل شده است، می‌توان ولادت ایشان را روز سه‌شنبه، سوم صفر دانست.

بر این اساس مدت عمر شریف ایشان 57 سال بوده است که 19 سال آن در قالب امامت، به تمامی در مدینه گذشته است. البته این امر بدان معنا نیست که گستره وسیع شاگردان ایشان نیز در مدینه متمرکز بوده‌اند زیرا امام تلاش گسترده‌ای را سامان دادند تا با پراکنده‌کردن یاران خویش زمینه مناسبی برای پوشش‌دادن تمام سرزمین‌های اسلامی، فراهم آورند. این تلاش همچنین از سویی دیگر همراه بود با بنیان نهادن نخستین پایه‌های سازمان وکلا که پس از آن، نقش گسترده‌ای را در پیشبرد اهداف ائمه ایفا کرد؛ هرچند در آغاز مناطق تحت پوشش وکلا چندان تنوع نداشت و تنها شامل کوفه، بصره و مکه می‌شد اما همین مراکز کم‌تعداد نیز نقش خویش را در نشر معارف و ارائه الگوی عملی به‌خوبی انجام می‌دادند.

نخستین سرزمینی که امام نماینده خویش را به آنجا گسیل داشت، کوفه بود. نماینده ایشان در کوفه ابو‌عبدالله جابر بن‌یزید جُغفی (م 128 هـ. ق) بود. او از جمله شاگردان امام در حدیث بود که به امامت ایشان نیز معترف بود. از این‌رو باید میان او و شاگردان دیگر امام که تنها به حدیث امام دل خوش داشتند و به امامت ایشان با تعریف خاص شیعی باور نداشتند، تمایز قائل شد. جابر محدثی راستگو به شمار می‌رفت که بزرگان مخالف نیز بر وجود این صفت در او اذعان داشتند؛ چنان‌که بنا به نقل کشی، سفیان ثوری بر صداقت او گواهی می‌داد. جابر بسیار پرشور از امامت امام باقر تعریف و تمجید می‌کرد و ابتدای احادیث خویش ایشان را وصی‌الوصیاء و وارث علم انبیاء خطاب می‌کرد. رابطه او با امام نیز بسیار نزدیک بود. این امر را می‌توان به‌خوبی از اقوال محدثین بعدی و نیز از احادیث خودش دریافت.

کشی در [#171; رجال](#)؛ خود نقل می‌کند که امام باقر به جابر، احادیث فراوانی از اسرار امامت را آموخته بود تا آنجا که جابر کسی را که قدرت درک و دریافت آنها را داشته باشد، پیدا نمی‌کرد و از این‌رو حالتی بسیار پریشان یافته بود. این پریشانی چنان نمایان بود که مردم کوفه از او با عنوان دیوانه یاد می‌کردند و آوازه او به‌عنوان دیوانه عاقل به دربار اموی در دمشق نیز رسیده بود. به همین جهت امام به او امر کرد تا هنگامی که چنین احساسی به سراغ او می‌آید به بیابان رود، چاهی حفر کند و در آن چاه سر فرو برده، احادیث امام را نقل کند (رجال کشی، ص 128).

البته حتی با این وصف، هرگز کسی از شیعیان، جابر را به غالیان منسوب نکرد چرا که از نگاه ایشان جابر از سیره و راه امام تخطی

نمی‌کرد. پس از جابر باید به ابان بن تغلب (م 141 هـ. ق.) اشاره کرد که او نیز چون جابر در کوفه به سر می‌برد. البته ابان پیش از امام باقر در خدمت امام سجاد (ع) بود. جالب آنکه عمر او چنان بود که امام صادق (ع) را نیز درک و از او حدیث نقل می‌کرد. ابان یکی از محدثان و فقیهان برجسته عصر خویش بود. مشهور است که امام بارها به او گفته بود: «#171;در مسجد کوفه بنشین و فتواهای شرعی بده. به راستی دوست دارم کسانی چون تو را در میان شیعه خود ببینم» (جامع الاحادیث الشیعه، ج 1، ص 225). شهرت ابان پس از امام باقر به اندازه‌ای رسید که هنگام ورود به مدینه، مردم به استقبال او می‌رفتند و او را تا مسجدالنبی مشایعت می‌کردند.

دیگر نماینده امام در کوفه ابوالحسن بن‌اعین بود که بیشتر به زراره شهرت داشت. او ابتدا به همراه برادرش حمران بن‌اعین و حمزه بن محمد بن عبدالله طیار در حلقه شاگردان حکم بن‌عئیبه بود اما امام توانست با استدلال او را قانع کند که حق با اوست. از این رو او به همراه 2 یار دیگر خود به حلقه امام پیوست و پس از مدتی به کوفه عزیمت کرد. او در کوفه علاوه بر مدرسه حدیث، در باب کلام نیز بحث می‌کرد. تلاش‌های گسترده او در این 2 حوزه به راستی نقش مهمی در تحول و تکامل اندیشه شیعی داشته است. گستره عظیم احادیث او تنها در کتب اربعه که بنا به شمارش آیت‌الله العظمی خوئی در معجم رجال‌الحديث، بالغ بر 2 هزار و 94 حدیث است، به خوبی گویای این امر است. دیگر یار مشهور امام در کوفه را باید محمد بن مسلم بن‌ریاح طائفی (م 150 هـ. ق.) دانست.

او ابتدا کارش آسیابانی بود. او پس از یک دوره شاگردی امام باقر (ع) به سرعت به فقیهی برجسته و مقبول نزد کوفیان بدل شد. او علاوه بر حدیث و فقه در کار قضاوت نیز مهارت فوق‌العاده‌ای داشت و به سبب قضاوت‌های مشهور و سریعش معروف بود. گذشته از آن، او زاهدی کم‌نظیر بود. ابوالقاسم، برید بن معاویه عجلی (م 150 هـ. ق.) نیز از یاران صادقین علیهما السلام، به شمار می‌رفت. مشهور است که امام به 4 تن از شاگردان خویش، یعنی برید، ابوبصیر، محمد بن مسلم و زراره گفته بود که بهشت سزاوارشان است. گذشته از ایشان می‌توان از کمیت بن‌زید اسدی، ابوجعفر محمد بن علی بن نعمان احول، ابوالقاسم فضیل بن یاسر تهدي، ابوبصیر لیث بختیاری، ابو خالد کابلی کنکر و ابو حمزه ثمالی یاد کرد که در کوفه به سر می‌بردند و برای امام تبلیغ می‌کردند. البته ابو خالد و ابو حمزه پیش از آن، از شاگردان امام سجاد (ع) بودند.

در بصره نیز با آنکه عموماً شهری غیر شیعی به شمار می‌رفت و تعداد موالیان در آن چون کوفه نبود، نمایندگانی از جانب امام حضور داشتند. محمد بن مروان بصری یکی از ایشان بود.

وی با آنکه در کوفه متولد شده بود اما در بصره می‌زیست. کشتی در رجال خویش او را اعقاب ابوالاسود دثلی به شمار آورده است. از دیگر نمایندگان امام در بصره، اسماعیل بن فضل هاشمی است که از اعقاب عبدالمطلب، جد پیامبر (ص) و از ناقلان معتمد حدیث امام به شمار می‌رود. همچنین باید از مالک بن‌اعین جهنی یاد کرد که پس از امام باقر (ع) به سلك شاگردان امام صادق درآمد. مکه یکی دیگر از حوزه‌های تحت پوشش امام بود که نسبت به بصره گسترده‌تر، ولی نسبت به کوفه که به سبب حضور گسترده موالی ایرانی، فعالیت پرشور و چشمگیری داشت، کم‌فروغ‌تر بود.

ابن خربوذ یکی از بزرگ‌ترین فقهای مکه از شاگردان امام بود و البته از موالی قریش. هر چند شهرت وی در حدیث به پای زراره نمی‌رسید اما توانسته بود در مکه یک حوزه شیعی در حدیث و فقه برپا کند.

یکی دیگر از شخصیت‌های مکه ابو خدیجه میمون بن‌اسود قداح مکی بود که از موالی بنی‌مخزوم بود. او احادیث فراوانی را از امام، نقل کرده است. از دیگر پیروان برجسته امام در مکه، محمد بن اسماعیل بن‌بزیع است. او به اتفاق تمام خاندان خویش در مکه برای امام تبلیغ می‌کردند.

هر چند بیان کامل یاران امام و نقش ایشان در مذهب شیعه، به دسته‌بندی‌های گسترده‌تری نیاز دارد و شاید این دسته‌بندی سه‌گانه، طیف گسترده‌تر یاران ایشان را پوشش ندهد اما به نظر می‌رسد با توجه به معیار این دسته‌بندی که تقسیم سه‌گانه مناطق جغرافیایی است، تا حدی به این گستره اشاره رفته باشد.

همشهری آنلاین - سهند صادقی بهمنی